



بررسی تناقضات آراء غزالی پیرامون زن در دو جایگاه انسان و همسر

فروغ السادات رحیم پور^۱، شهرزاد استکی^{۲*}

^۱. دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

^۲. کارشناس ارشد فلسفه اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. shahrzad.esteki@gmail.com

چکیده

زنان به عنوان نیمی از جامعه بشری و یکی از دو رکن پدیدآورنده بنیان خانواده، همواره مورد توجه دانشمندان و نظریه پردازان مکاتب گوناگون قرار گرفته اند. در جهان اسلام به مسأله زن، در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، فقهی و غیره پرداخته شده است.

این مقاله در صدد است از میان فیلسوفان و اندیشمندان مسلمان، نظریات محمد غزالی را پیرامون زن بررسی کند و جایگاه زن را در انسان شناسی وی تبیین و سپس نقد نماید تا هماهنگی یا ناهماهنگی نظریات وی در دو مقوله ی انسان و زن روشن گردد. غزالی در خلال آثار اخلاقی خود به مبحث زن و جایگاه و قدر و ارزش او،

مقدمه

مبحث «زن» از مباحث مهمی است که در آثار برخی اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان از آن یاد شده است و ایشان با عنایت به اهمیت این موضوع به بحث و گفتگو پیرامون آن، پرداخته و در آثار خود، بابتی در تبیین مسأله «زن» گشوده اند. بررسی آراء متفکران و اندیشمندان مسلمانی که در ادوار مختلف، نظراتی پیرامون زن، در آثار خود بر جای گذاشته اند، می تواند درک کاملتری از جایگاه اخلاق در آن جامعه و در آن دوره از تاریخ به پژوهشگران ارایه دهد. در این نوشتار، از میان فیلسوفان و اندیشمندان مسلمان به بررسی نظریات محمد غزالی به عنوان یکی از تاثیرگذارترین فیلسوفان بر اندیشمندان پس از خود، پرداخته شده است.

در مقاله حاضر، سعی بر این است که نظرات غزالی پیرامون "زن" در دو جایگاه انسان و همسر بررسی شود و هماهنگی و ناهماهنگی دیدگاهش روشن شود.

۱- حقیقت انسان و معنای زن به عنوان همسر

۱-۱- حقیقت انسان: غزالی معتقد است انسان، مرکب از دو جزء است: الف) کالبد ظاهر که همان جسم و تن آدمی است؛ به چشم ظاهر دیده می شود {1} و ماده ای تاریک، مرکب و کدر خاکی است که تحت عوامل طبیعی و کون و فساد واقع می شود و قائم بغیر می باشد. {2}

ب) باطن که آن را نفس، جان و دل می گویند، به چشم ظاهر دیده نمی شود و حقیقت انسان را تشکیل می دهد. {3}

پرداخته است. نقش زن به عنوان همسر بیشترین نمود را در آثار او دارد و نقش مادر یا زن بدون هیچ نسبت اضافه به غیر، نمودی ناچیز و بسیار اندک دارد. او وقتی به جایگاه و حقوق زن در مقام همسر می پردازد، وی را کم ارزش تر از مرد و فاقد حقوق مساوی با او می پندارد. غزالی زنان را فاقد استعداد رشد و تعالی معنوی و ذاتاً واجد خصایل و صفات اخلاقی ناشایست می داند. این در حالی است که او در مباحث انسان شناسی اش اذعان می کند که روح همه انسان ها از عالم الوهی و علوی نشأت گرفته و به دلیل آنکه نفخه ایی از روح قدسی خداوند است، اشرف مخلوقات و نمایانگر حق تعالی است.

واژگان کلیدی: غزالی، انسان، زن، مادر، همسر

انسان دو نوع روح دارد: یکی از جنس روح حیوانات که آن را "روح حیوانی" نامند و دیگری، از جنس روح ملائکه که آن را "روح انسانی" نامند. منشاء روح حیوانی دل است (نه به معنای نفس بلکه به معنای گوشتی که در جانب چپ بدن قرار دارد و آن را قلب صنوبری گویم) و منشاء روح انسانی، عالم الوهیت و عالم علوی می باشد. روح حیوانی به روح انسانی، چون آلت و مرکب است و هنگامی که مزاج روح حیوانی باطل گردد، قالب و کالبد انسان می میرد و روح انسانی باقی می ماند. {4}

غزالی روح انسانی را دارای مراتب می داند و در هر مرتبه، یک نام بر آن نهاده است که عبارتند از: مرتبه اول: روح حساس، مرتبه دوم: روح خیالی، مرتبه سوم: روح عقلی، مرتبه چهارم: روح فکری، مرتبه پنجم: روح قدسی نبوی.

روح انسان، اشرف و اعلا از روح حیوانات است؛ زیرا روح در حیوانات، تنها آلتی است در جهت به دست آوردن غذا، آن هم در مسیر استفاده آدمی اما روح در انسان، همانند توری است که آدمی با آن از عالم اسفل، مبادی معارف شریف دینی را شکار می کند. {5}

۱-۲- معنای زن به عنوان همسر: برای شناخت معنای زن در جایگاه همسر از دیدگاه غزالی، به دلیل عدم اشاره مستقیم وی به این موضوع، ناچار باید معنای زن را در نظراتی که در حوزه نکاح، حقوق، وظایف و نقش زن ارایه داده است بررسی کرد:

۱-۲-۱- نکاح